
عنوان الکلام فی ادعیه شهر الصیام

(شرح دعاهاى روزهاى ماه مبارک رمضان)

به انضمام رساله عشریه درباب دهه اول محرم

ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی
(۱۲۵۱-۱۳۱۴ ق)

مصحح:
فاطمه محمدی



فهرست

۵	پیش گفتار
۵	آثار ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی
۶	درباب عنوان الکلام
۹	عنوان الکلام از منظر تاریخ و اجتماعیات

[عنوان الکلام فی ادعیه شهر الصیام]

۱۲	مقدمه اول
	مقدمه دوم: در رفع استبعاد از ورود ثنوبات عظیمه بر این دعاهاى شریفه و غیر این از دعاها و اعمال دیگر
۱۶	مقدمه سیم
۲۱	مقدمه چهارم
۲۴	مقدمه پنجم: در باب رعایت این ماه عزیز است
۳۰	مجلس اول: در دعای روز اول ماه مبارک
۳۳	مجلس دوم: در شرح دعای روز دوم
۴۳	مجلس سیم: در شرح دعای روز سیم است
۵۰	مجلس چهارم: دعای روز چهارم
۵۸	مجلس پنجم: دعای روز پنجم
۶۵	مجلس ششم: در دعای روز ششم
۷۲	مجلس هفتم: دعای روز هفتم
۷۹	مجلس هشتم: در دعای روز هشتم و شرح آن
۸۹	مجلس نهم: در دعای روز نهم است
۹۶	مجلس دهم: در شرح دعای روز دهم
۱۰۳	مجلس یازدهم: در تفصیل دعای روز یازدهم
۱۱۲	مجلس دوازدهم: در شرح دعای روز دوازدهم
۱۳۰	مجلس سیزدهم: دعای روز سیزدهم
۱۳۳	مجلس چهاردهم: دعای روز چهاردهم
۱۴۱	مجلس پانزدهم: در شرح دعای روز پانزدهم
۱۵۱	مجلس شانزدهم: شرح دعای روز شانزدهم
۱۶۰	مجلس هفدهم: شرح دعای روز هفدهم
۱۷۷	مجلس هیجدهم: دعای روز هیجدهم
۱۸۵	مجلس نوزدهم: در فضیلت سوره قدر
۱۹۵	

۲۰۶.....	مجلس بیستم: در بیان نحو موعظه شب نوزدهم.....
۲۱۰.....	مجلس بیست و یکم: دعای روز نوزدهم.....
۲۴۰.....	مجلس بیست و سیم: در موعظه شب بیست و یکم.....
۲۴۷.....	مجلس بیست و چهارم: شرح دعای روز بیستم.....
۲۶۲.....	مجلس بیست و پنجم: در شرح دعای روز بیست و یکم.....
۲۸۵.....	مجلس بیست و ششم: در شرح دعای روز بیست و دویم.....
۳۰۱.....	مجلس بیست و هفتم: در مطالب متعلقه به روز بیست و دویم که شب قدر باشد.....
۳۱۴.....	مجلس بیست و هشتم: در موعظه شب بیست و سیم.....
۳۱۸.....	مجلس بیست و نهم: در شرح دعای روز بیست و سیم.....
۳۳۵.....	مجلس سی ام: در شرح دعای روز بیست و چهارم.....
۳۵۶.....	مجلس سی و یکم: در شرح دعای روز بیست و پنجم.....
۳۷۴.....	مجلس سی و دویم: دعای روز بیست و ششم.....
۳۸۵.....	مجلس سی و سیم: در شرح دعای [روز] بیست و هفتم.....
۳۹۸.....	مجلس سی و چهارم: در شرح دعای [روز] بیست و هشتم.....
۴۱۲.....	مجلس سی و پنجم: در شرح دعای روز بیست و نهم.....
۴۳۵.....	مجلس سی و ششم: در شرح دعای روز سی ام.....
۴۵۴.....	مجلس سی و هفتم که اول از چهار مجلس است: در موعظه شب عید فطر.....
۴۵۹.....	مجلس سی و هشتم و دویم از چهار مجلس: [در کیفیت مطالب روز عید].....
۴۷۲.....	مجلس سی و نهم که سیم از چهار مجلس است: [در کیفیت موعظه شب نیمه شعبان].....
۴۹۳.....	مجلس چهارم که چهارم از چهار مجلس است: در موعظه روز عاشورا.....

کتاب عشریه

۵۱۸.....	مجلس اول.....
۵۲۵.....	مجلس دویم.....
۵۳۰.....	مجلس سیم.....
۵۳۷.....	مجلس چهارم.....
۵۴۶.....	مجلس پنجم.....
۵۵۶.....	مجلس ششم.....
۵۶۵.....	مجلس هفتم.....
۵۷۳.....	مجلس هشتم.....
۵۸۲.....	مجلس نهم.....
۵۹۴.....	مجلس دهم.....
۶۰۱.....	کتابنامه.....

پیش‌گفتار

کتاب حاضر از جمله کتب نادر و مفید در زمینه ادعیه ماه مبارک رمضان است. مسلماً مؤلف آن، میرزا محمدباقر بن محمدجعفر فشارکی اصفهانی در گردآوری و نوشتن آن رنج‌های بسیاری بر خود متحمل شده است. این اثر را باید در این موضوع از نظر احتواء بر مسائل علمی دینی و همچنین فواید کلی بی‌نظیر قلمداد کرد.

ملا محمدباقر بن محمدجعفر فشارکی اصفهانی در سال ۱۲۵۱ هجری قمری در اصفهان به دنیا آمد و در بیست و هشتم رجب سال ۱۳۱۴ هجری قمری درگذشت.^۱ وی از فقیهان قرن سیزدهم و چهاردهم اصفهان به شمار می‌آید. رشته اصلی او فقه بوده؛ اما منبر و خطابه نیز داشته است. او بدون آن که قصد بیان تاریخ عاشورا را داشته باشد، در پایان سخنرانی‌هایش چند جمله‌ای ذکر مصیبت می‌کرد. وی سپس بخشی از این سخنرانی‌ها را که در شرح دعاها هر روز ماه مبارک رمضان بود، به نگارش درآورد.

ملا محمدباقر فشارکی از جمله شاگردان میرزا سید حسن بن علی بن محمدباقر مدرس اصفهانی (متوفی ۱۲۷۳ق) محسوب می‌شد. فقه و اصول را نیز از ملا محمدتقی بن محمدرحیم اصفهانی (درگذشته به سال ۱۳۰۱ق) فراگرفت. پس از آن تدریس و امامت مسجد و سخنرانی در مسجد محله نو و همچنین مسجد قطیبه اصفهان را عهده‌دار شد.^۲ از شاگردان ملا محمدباقر نیز می‌توان به آیت‌الله حاج سید احمد صفایی خوانساری اشاره کرد.^۳ برادر ملا محمدباقر، ملا محمدحسین (متوفی ۱۳۵۳ق) نیز از علمای بزرگ اصفهان محسوب می‌شد.^۴

آثار ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی

از تألیفات او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. الذریعه، ج ۱۵، ص ۲۶۸؛ وفات او را در سال ۱۳۱۵ نیز ذکر کرده‌اند (موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲، ص ۶۲۱).
۲. آشنایی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، ص ۳۸۷؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲، ص ۶۲۰.
۳. اختران فقاوت، ج ۲، ص ۲۲۴.
۴. رک: اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۲۳۲.

۱. رساله فتوائیه: برای عمل مقلدان که چاپ شده است.^۱
۲. رساله فی القرعة و احکامها.^۲
۳. رساله فی تقلید الأعلی.^۳
۴. آداب الشریعة: به فارسی که به طبع رسیده است.^۴
۵. عنوان الکلام فی ادعیه شهر الصیام: به فارسی که پس از این بیشتر بدان خواهیم پرداخت.
۶. اصول الدین: چاپ شده است.^۵
۷. العشریة: در مقتل امام حسین علیه السلام که به انضمام کتاب حاضر به طبع آن اقدام شده است. البته او چند عشریة دیگر نیز تألیف کرده است.
۸. ذخیرة المعاد: در ابتدای رساله عشریة از این اثر نام می‌برد و یادآور می‌شود که ناتمام است.
۹. رساله در اعمال روز جمعه: او در مجلس سی و هشتم عنوان الکلام از خداوند توفیق تألیف این اثر را خواسته است؛ اما مشخص نیست که تألیف آن به پایان رسیده باشد.

در باب عنوان الکلام

ملا محمدباقر فشارکی اصفهانی سبب تألیف کتاب را در همان ابتدای عنوان الکلام ذکر می‌کند:

«این فقیر در سنوات عدیده هر روز دعای آن روز را عنوان نموده و در آن صحبت می‌داشتم و بیان فقرات آن‌ها را به قدر آنچه اقتضا می‌کرد مقام و درک افهام می‌نمودم و در همه سنوات جمعی از اعزّه و اشراف و کثیری از احباء صاحبان محامد اوصاف خواهش داشتند که این‌ها را به سمت تحریر درآورده تا سایر مؤمنین از آن منتفع و امر بر حضرات اهل منبر قدری سهل و آسان شود و این فقیر به جهت عدم مساعدت احوال به دفع الوقت می‌گذرانیدم تا در این شهر صیام هزار و دویست و هشتاد و سه جمعی از طلباب صاحبان فهم که در نزد حقیر محترم بودند، زیاده بر این

۱. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، قسم ۲، ص ۶۲۰.

۲. همان، همان‌جا.

۳. همان، همان‌جا.

۴. همان، همان‌جا.

۵. همان، ص ۶۲۱.

معنی مُصرُ شده، توفیق حق حاصل آمده، دست توسل به دامن وسائط فیض زده، از ایشان استمداد جسته، در انجام این مسئول کوشیده، مسئلت می‌نمایم از رب کریم اولاً توفیق را بر اتمام...».

گرچه با توجه به این سخن مشخص می‌شود که وی در ماه رمضان سال ۱۲۸۳ هجری قمری بر آن شده است که این اثر را به رشته تحریر درآورد، اما از یادداشت پایانی عنوان الکلام برمی‌آید که او تألیف این کتاب را در هفتم رجب سال ۱۳۳۳ هجری قمری به پایان برده است.

مؤلف این کتاب را الگویی برای به منبر رفتن علمای زمان خود می‌داند و واقع امر نیز چنین است. وی در این زمینه متذکر می‌شود:

«بدان که حقیر آنچه در این دعاها ذکر نمایم، کلام است از این جهت او را مسمی کرد به عنوان الکلام فی ادعیه شهر ضیاء ولی گوینده اقتضای مجلس را ملاحظه نماید از جهت طول و اقتصار، مقید نباشد به آنچه نوشته شده است. بسا هست که مجلسی از آن‌ها را باید انداخت یا این‌که به شرح یکی از فقرات اکتفا نمود. همچنین بسا هست که مجلس اقتضای بیان مطالب دقیقه را ندارد؛ به جهت این‌که همه عوام کالانعام هستند. در آن وقت این مطلب را بیندازد و اکتفا به همان قصص و حکایات نماید و بسا هست که اکثر اهل مجلس خواصند، بکوشد در مطالب دقیق. علی‌ای حال هر روز چند مسئله از مسائل فقهیه مندرج نماید که مردم شدت احتیاج را به آن دارند و هر گاه اصل مجلس را مسئله قرار دهی، فرار می‌کنند؛ بلکه آن‌ها را در اثناء مطالب مندرج ساز تا یاد گیرند بدون نفرت.» (مقدمه سیم)

همچنین در مجلس سی و پنجم می‌گوید: «اهل منبر و ناظرین این کتاب بنا را نگذارند که هرچه نوشته شده در شرح دعاها همه را بگویند؛ زیرا که واضح است که کسالت می‌آورد و دل‌ها تنگ می‌شود و عظم و شیرینی مطلب به کلی تمام می‌شود، بلکه اقتضای مجلس را ملاحظه کنند. غایت امر این است که اکتفا کنند بر شرح یک فقره یا احادیث که در ذیل خصال مذکور است؛ به یکی اکتفا کنند و لُب آن‌ها را بگویند. حقیر هم که مجالس را به اقتضا نوشته‌ام، غرض حقیر یکی جمع اخبار است، یکی این‌که نوعی نوشته شود که اهل منبر بلکه تمام اهل ایمان در همه اوقات از آن منتفع شوند.»

نثر این کتاب ساده و «منبری» است؛ به گونه‌ای که گویی آن را به واقع بر روی منبر خطاب به مخاطبان بیان کرده است. با این حال، ویژگی‌های یک نثر عالمانه و دینی را دارد و سرشار است از لغات و اصطلاحات فقهی. علامه آقابزرگ تهرانی معتقد است که این کتاب همان مواعظ وی بر منبر در ماه رمضان بوده است؛^۱ در حالی که در برخی مواضع کتاب بیان می‌شود که این مطلب را «نوشتیم» و از این مسئله برمی‌آید که او این اثر را تألیف کرده، نه این‌که ابتدا در سخنرانی‌ها عنوان کرده و خود یا دیگران همان سخنرانی‌ها را به رشته تحریر درآورده باشند. مثلاً در مجلس سی و نهم می‌نویسد: «خوب بفهم آنچه نوشتیم تا رفع این شبهه از تو بشود...».

گاه ملا محمدباقر فشارکی مطلب یا واقعه‌ای را بارها در مواضع مختلف کتاب متذکر می‌شود که به برخی از آن‌ها در بانویس متن اصلی اشاره کرده‌ایم. همچنین اکثر مطالب رساله عشرتیه که به انضمام عنوان الکلام در پیش روی شماست، در عنوان الکلام مشاهده می‌شود. این کتاب بسیار مورد توجه و غاظ قرار گرفته است.

او در پایان مجلس سی و ششم و پس از این‌که مقصود خود را در عنوان الکلام که همان شرح ادعیه روزهای ماه مبارک رمضان است، به اتمام می‌رساند، احتمالاً به دلیل مقدس بودن عدد چهل ترجیح می‌دهد که چهار مجلس دیگر بدان بیفزاید. او در توجیه این عمل می‌نویسد:

«تمام شد آنچه مقصود از شرح ادعیه سی گونه شهر رمضان با غایت تعجیل و پریشانی حواس و تراکم اشغال؛ ولی چون تا به حال سی و شش مجلس شده است، دوست می‌دارم که چون این کتاب از برای عنوان موعظه از برای خواص نیست، به عوام نوشته شده که فقیر را فراموش نکنند؛ لهذا مناسب است که چهار مجلس دیگر افزوده شود که چهل مجلس تمام شود؛ یک مجلس در کیفیت موعظه سحر شب عید فطر، یکی هم در کیفیت مطالب روز عید و یکی هم در کیفیت موعظه شب نیمه شعبان و یکی هم در کیفیت موعظه روز عاشورا؛ چون در این روزها روز اجتماع خلق است از برای اهل خیر و ترویج سهل است.»

وی در عنوان الکلام از کتب متعدد و معتبری به عنوان منبع نام می برد؛ همچون: نهج البلاغه، مجالس المؤمنین، حیوة القلوب، معراج السعاده، زبدة التصانیف، انوار جزائری و همچنین خلاصة الاخبار او، عدة الداعي، مجمع المعارف، جامع الاخبار، خلاصة الاخبار، منهاج العارفين، رياض الشهادة، زینت المجالس، تحفة المجالس و بحار الانوار. نویسنده عنوان الکلام در مجلس سی و نهم می گوید: «تدیده ام این حدیث را در کتب معتبره و دور نیست که عامی باشد.» و همین سخن اهتمام او را در نقل مطالب از کتب معتبر نشان می دهد.

عنوان الکلام از منظر تاریخ و اجتماعیات

اشاره به اوضاع اجتماعی و وضع دینی مردم در آن زمان نیز در این کتاب دیده می شود که می تواند برای محققان تاریخ آن دوره مفید باشد، به عنوان نمونه:

- «مؤمنان با اعتقاد چنین بوده اند که به مجرد فرموده رسول خدا (ص) چنین گذشت ها می کرده اند و در این زمان ها آنچه از برای مردم می گویی تأثیری ندارد در دل های ایشان و حقوق واجبه الهی را ادا نمی کنند و با وجود آن ادعای بندگی می کنند؛ بلکه بسا هست برهنه و گرسنه و تشنه را می بینند و لباس های متعددی دارند و یکی را اتفاق نمی کنند.» (مجلس سی ام).

- «در این ماه رمضان بسیاری را می بینی که شک دارند که مغرب شده است یا نه افطار می کنند به محض شنیدن صدای توپ و اگر از او سؤال کنی که یقین داری مغرب شده است یا نه می گویند ساعت دارند می گویی یقین داری ساعت درست رفته است می گویند چه می دانم و مع ذلک افطار می کنند.» (مجلس سی و چهارم).

- «ذلک هو الخسران المبین و مصداق این می باشد بسیاری از اراذل خلق این زمان که می بینی که روز را به هرزگی شام می کنند و درب این دکان و آن دکان و زیر بازارچه ها و سر گذرها می نشینند و متصل این غلیان های متعفن را می کشند و مشغول حرف مفت و غیبت مسلمانانند تا شام می روند در منزل ها و می افتند تا صبح، چون گذران دارند و پی کسی نمی روند، آن وقت دور می افتند در خانه ها و دکان ها، دست اندازی بر مال مسلمانان

می نمایند و چون از حرام است صرف می شود بر مصارف حرام از زنا و شرب خمر و نحو این ها.» (مجلس سی و پنجم).

«خیرات از برای اموات ولی نه به نحوی که آداب اهل این زمان است که حلوا پخته با نان برداشته و با خرما تیکه و دانه دانه می دهد به اراذل و اوباش که سر راه ها هستند بلکه اگر می خواهند خیرات نمایند این پولی که صرف این می نمایند درست چند نان با حلوای درست مثلاً به فقیری بدهند که خود او و عیال او را سیر نماید یا جمعی از مؤمنین را به خانه خود به ضیافت طلب نمایند.» (مجلس سی و نهم).

«بسیار عجب است از جوانان این زمان که در این روز که از ایشان بیشتر متوقع است تعزیه داری را که پیران شکسته اند و از قوه ایشان بر نمی آید، کمال اهتمام در اقامه عزرا و معذلک سر کوچه ها و گذرها مشغول لهو و لعب و عیش و طربند، بلکه العیاذ بالله اشتغال به قمار دارند و بسیار عجب است از مردم که ایشان را منع نمی کنند.» (مجلس چهارم).

ذکر این نکته در پایان ضرورت دارد که نسخه اساس چاپ حاضر، چاپ سنگی این کتاب در سال ۱۳۳۳ هجری قمری (در عهد احمدشاه قاجار) بوده است.